پیرامون مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی

تهیه و تنظیم : زهرا دهبان
کارشناس حقوقی شیلات هرمزگان

الف – مقدمه

یکی از راههای اصولی مبارزه با فساد از بین بردن موقعیتهای فساد آور و جرم زاست . به عبارت دیگر در زندگی اجتماعی برخی جایگاهها و موقعیتها و مقامها ذاتاً مستعد و مهیای آن هستند که صاحبان آنها را در ورود به عرصه فساد و تباهی یاری نمایند .

یکی از این موقعیتها اشتغال به مشاغل دولتی و تکیه و پشت گرمی به حمایت عالی ترین نوع قدرت یعنی حکومت است ، زیرا کسانی که خود را وابسته به دولت می دانند از نظر روانشناسی همیشه دولت را پشتیبان خود دانسته و کسانی که مخاطب آنها بوده یعنی همان عامه مردم تصور فوق را داشته و اقدام مامورین را قانونی و لازم الاطاعه می دانند.

مسائل فوق باعث گردیده که قوای مقننه خیلی از کشورها به هنگام وضع قوانین به منظور جلوگیری از سوء استفاده کارمندان از جایگاه شغلی و پایگاه حکومتی برای آنها محدودیتهایی قائل شوند. از جمله قانونگذار در سال ۱۳۳۷ اقدام به تصویب لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراو نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی کشوری را تصویب نمود که بر اساس آن کارمندان دولت از شرکت در معاملات دولتی یا داوری در معاملات مذکور ممنوع گردیدند.

ب – اهداف قانونگزار :

همانگونه که در مقدمه ذکر شد قانونگزار همیشه سعی می نماید موقعیتهای تسهیل کننده ارتکاب جرم و فساد را از بین ببرد و بر همین اساس مقنن به منظور اینکه کارمندان دولتی به اتکاء رابطه استخدامی و کاری با دولت در معاملات دولتی شرکت ننمایند و از این منظر مصالح عمومی و صرفه و صلاح دولت قربانی نفوذ افراد دولتی نشود ، اقدام به تصویب لایحه فوق الذکر نمود .

از طرف دیگر کارمندان دولت در صورت مشارکت در معاملات دولتی حتی در صورت رعایت صرفه و صلاح دولت ، به جهت وابستگی به قدرت حاکمیت زمینه رقابت سالم بخش خصوصی با بخش دولتی را از بین برده و همین امرزمینه ساز بروز تبعیض از نوع حکومتی و دولتی آن گردیده و زمینه مشارکت بخش خصوصی را از بین می برد .

یکی دیگر از مسائلی که در تصویب قانون مذکور می بایست مورد توجه قرار گیرد این است که در برهه ای که قانون مذکور به تصویب رسیده بود افکار و عقاید حاکم بر ذهن مجلس قانون گزار به نوعی به دنبال محدود نمودن قدرت کارکنان دولت بوده و در آن زمان سعی می گردید از قدرت بلا منازع نیروهای دولتی جلوگیری شود .

ج – افراد و اشخاص موضوع لایحه :

در صورتیکه به عنوان قانون مذکور توجه شود ، اینگونه استنباط می گردد که قانون مذکور راجع به وزراء ، نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت می باشد و همانگونه که در بخش اهداف قانونگزار نیز اشاره گردیده هدف قانون مذکور جلوگیری از سوء استفاده کارمندان از مقام و منصب دولتی آنان می باشد .

بر این اساس یاد آوری می گردد که وفق ماده اول قانون مذکور ۸ دسته اشخاص حقیقی و حقوقی مخاطب قانون قرار گرفته اند که افراد مذکور از مقامات عالی حکومتی تا کارمندان دون پایه را به شرح ماده مذکور شامل می شود . اما قانون گزار از این حیث جامع و مانع نمی باشد . از جمله :

۱- شخص رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مقام رهبری (به عنوان مرجعی که در زمان تصویب قانون وجود نداشته)مشمول قانون مذکور قرار نمی گیرند و از این لحاظ قانون مذکور ناقص بنظر می رسد و لازم است قانون مذکور مورد تجدید نظر قرار گرفته تا کلیه مقامات مذکور مشمول آن قرار گیرند .

۲- سایر اشخاص نظیر اعضای شورای نگهبان ، مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر نهادهای بعد از انقلاب مشمول قانون مذکور قرار نمی گیرند ، مگر اینکه افراد فوق را در شمول کارمندان عادی قرار دهیم که این امر بلحاظ توسعه عمل مجرمانه مذکور و منع تفسیر موسع در حقوق کیفری ، صحیح نمی باشد .

نکته قابل ذکر این است که در قانون مذکور عده ای تحت شمول قانون قرار گرفته اند که نمی توان به آنها کارمند دولت به معنای خاص گفت از جمله شهر داران و اعضاء انجمن شهر (شورای شهر کنونی) و کارکنان سازمانها و دستگاهها و .... که مدیریت و یا اداره و نظارت آنها با دولت است .

همچنین عده ای از اشخاص وجود دارند که هیچگونه رابطه استخدامی با دولت ندارند اما از خزانه دولت وجه دریافت می نمایند. بعنوان مثال اشخاصی که از کمیته امداد امام ویا سازمان بهزیستی و .... حقوق یا مقرری مستمر دریافت می نمایند بر اساس بند ۵ ماده اول قانون موصوف از مداخله در معاملات دولتی ممنوع می باشند . همچنین مدیران و کارکنان بنگاههای خیریه هر چند رابطه استخدامی با دولت ندارند ، تحت شرایطی مشمول قانون مذکور قرار می گیرند .

ازطرفی بر اساس بندهای ۷و۸ ماده اول قانون موصوف حتی شرکتهای خصوصی که کارمندان دولتی در آن دارای سهم ، سرمایه و منافع می باشند، از شرکت در معاملات دولتی ممنوع گردیده اند ، به عبارت دیگر در این مرحله دیگر مقنن موضوع را از حد کارمندان دولت خارج نموده و حتی شرکتهای متعلق و مربوط به کارمندان دولت را از شرکت در معاملات دولتی ممنوع نموده و از این طریق خواسته که کارمندان دولت با واسطه در معاملات دولتی شرکت ننمایند .

همچنین از همه مهمتر اینکه قانون گزار اقربا کارمندان دولت را به شرح تبصره " ۱" ماده اول قانون از شرکت در معاملات دولتی ممنوع نموده است . نظر به مراتب فوق الذکر ملاحظه میگردد که قانون مذکور بر خلاف عنوانی که دارد صرفا مربوط به کارمندان دولت نیست، بلکه افراد ذیل مشمول قانون موصوف می باشند .

۱- مسئولین عالی رتبه کشوری و لشکری اعم از اینکه منصب دولتی آنان ناشی از استخدام توسط دولت باشد یا اینکه از طریق انتخابات به منصب فوق گمارده شده باشند نظیر نخست وزیر (در حال حاضر نخست وزیری حذف گردیده و وظایف وی در وظایف ریاست جمهوری ادغام گردیده است) ، وزراء و نمایندگان مجلسین وقت (در حال حاضر نمایندگان مجلس شورای اسلامی) .

۲- کارمندان عادی

۳- کارکنان سازمانها یا بنگاهها یا شرکتها یا بانکها یا هر موسسه ای که منافع ، مدیریت ، اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت یا دستگاههای وابسته به دولت باشد هر چند خود اینگونه اشخاص مستخدم دولت نباشند .

۴- مدیران و کارکنان بنگاههای خیریه

۵- شرکتهایی که درصدی از سهام ، سرمایه یا منافع آنها به شرح قانون متعلق به کارمندان دولت است .

۶- اقرباء کارمندان دولت

لذا مشخص می شود که قانون علاوه برکارکنان دولت. شرکتهای مربوط به کارکنان دولت شامل اقرباء آنان نیز می شود .

د – نوع معاملات :

در عنوان لایحه قانونی راجع به منع مداخله ..... صحبت از مداخله در "معاملات دولتی و کشوری " گردیده است ولی در بند ۸ ماده اول قانون به شرکت در معاملات یا داوری در دعاوی دولت یا مجلسین یا شهرداریها اشاره گردیده است و در تبصره ۳ ماده اول ، معاملات موضوع قانون طی ۷ بندمشخص گردیده اند که بر اساس آن منظور از معاملات دولتی موارد ذیل اعلام می گردد :

الف - مقاطه کاری (به استثنای معامله محصولات کشاورزی)

ب - حق العمل کاری

ج - اکتشاف و استخراج و بهره برداری (به استثنای معادن طبقه اول مندرج در قانون معادن)

چ - قرارداد نقشه برداری و نقشه کشی و نظارت در اجرای آن

خ - قرارداد مطالعات و مشاورات فنی و مالی و حقوقی

ک - خرید و فروشهایی که باید طبق قانون محاسبات عمومی با مناقصه و یا مزایده انجام شود هر چند به موجب قوانین دیگر از مناقصه و مزایده مستثنی شده باشد .

با توجه به موارد فوق در قسمت عمل مجرمانه مداخله در معاملات دولتی توضیحات ذیل ضروری است :

۱- اگر چه در عنوان قانون از مطلق معاملات دولتی صحبت گردیده اما با توجه به توضیحات تبصره ۳ ماده اول قانون ، صرفا برخی از معاملات دولتی به شرح تبصره مشمول ماده می باشند .

۲- هر نوع معامله دولتی خارج از مصادیق ٦ گانه تبصره ۳ که در قالب مزایده و مناقصه صورت پذیرد، مشمول لایحه بوده هرچند از مصادیق موارد منصوص در ماده نباشد . به عنوان مثال انعقاد یک فقره قرارداد اجاره یا معاوضه و .... اگر خارج از چارچوب مزایده و مناقصه باشد مشمول لایحه نبوده و انجام آن توسط کارکنان دولت بلا اشکال است ، اما همین معاملات در صورتیکه از طریق تشریفات مناقصه و مزایده صورت پذیرد ، مشمول لایحه می باشد .

۳- اگر خرید و فروشی را طبق قانون محاسبات عمومی بتوان خارج از مناقصه و مزایده (ترک تشریفات نیز ظاهراً مشمول می باشد) انجام داد ، انجام آن معامله توسط کارمندان دولت بلا اشکال می باشد ، اما اگر خرید و فروش طبق سایر قوانین و مقررات (غیر از قانون محاسبات عمومی) از مزایده و مناقصه مستثنی گردیده باشد ، مداخله در آن ممنوع بوده و مشمول قانون مورد نظر می باشد و انجام آن توسط پرسنل دولتی ایراد دارد .

بنا بر این با توجه به به مفاد بندهای ٦ و ۷ باید گفت هر نوع معامله ای حتی اگر از مصادیق بندهای ۱ ، ۲، ۳ ، ٤، ٥ ، ۷ نباشد ، ولی در قالب مزایده و مناقصه صورت گیرد ، شرکت کارکنان در آن معامله ممنوع می باشد ولی استثناً « خرید و فروشهایی» که طبق قانون محاسبات عمومی ، بی نیاز از مناقصه و مزایده می باشند هر چند در سایر قوانین و مقررات نیازمند مناقصه و مزایده باشند ، مشمول لایحه نمی باشند .

✓ یکی از راههای اصولی مبارزه با فساد از بین بردن موقعیتهای فساد آور و جرم زاست. به عبارت دیگر در زندگی اجتماعی برخی جایگاهها و موقعیتها و مقامها ذاتاً مستعد و مهیای آن هستند که صاحبان آنها را در ورود به عرصه فساد و تباهی یاری نمایند

ولی اگر معامله ای خارج از مناقصه و مزایده صورت گیرد ، می بایست حتما از مصادیق شقوق تبصره ۳ باشد و الا مشمول لایحه نمی باشد .

بر همین اساس اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه شماره ۷/۸٦۱ - ۷۳/۱۲/۱۷ مقرر داشته است که معاملاتی که اشخاص مذکور در ماده اول لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ، ممنوع از انجام آن می باشند، در تبصره ۳ ماده مزبور احصاء شده و اجاره اموال (اعم از منقول غیر منقول) به لحاظ منصوص بودن موارد ممنوع و منظور از معاملات مندرج در آن قانون از شمول آن خارج است .

۴- با توجه به اینکه در متن لایحه صرفا به کارکنان و کارمندان دولت یا دستگاههای وابسته به دولت اشاره گردیده است و با توجه به اصل تفسیر مضیق در حقوق کیفری ، افراد مشمول قانون کار شاغل در ادارات دولتی از شمول این لایحه خارج بوده و در صورتیکه در یک معامله دولتی شرکت نمایند مجرم شناخته نمی شوند .

۵- در برخی موارد به حکم ضرورت و در راستای اجرای قانون اهم برخی افراد اجبارا در یک مناقصه دولتی مشارکت می نمایند . مثلا موردی که قانون افراد را ملزم به فروش مال خود به دولت یا موسسات کشوری می نمایند ، چنانکه کارمند دولت ، خانه خود را به ضرورت توسعه معابر به شهرداری بفروشد و یا در موراد معاملاتی که منحصر به کارمند دولت باشد و دولت ناچار به معامله با اینگونه اشخاص بوده و اجرای ضوابط مواد ۳و٤و٥ آئین نامه معاملات دولتی برای دولت میسر نباشد چنین معامله ای باطل نبوده و مرتکب مشمول لایحه نمی باشد .

۶- شرکتهای تعاونی کارمندان موسسات موضوع قانون مذکور ، صرفا در امور مربوط به تعاونی از مقررات این قانون مستثنی خواهند بود . بنابر این در صورتی که شرکتهای تعاونی کارکنان دولت اعم از اینکه موضوع شرکت تعاونی امور مربوط به تولیدات ، توزیع و ..... باشد وارد معامله با دستگاههای دولتی شوند ، از شمول ممنوعیت لایحه قانونی مذکور مستثنی می باشند .

بدیهی است با توجه به بندهای "ب" و "ج" ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی که معامله وزارتخانه ها و موسسات دولتی با شرکتهای تعاونی مصرف و تولید و توزیع را مستثنی از شرکت در مناقصه و مزایده دانسته ، خرید و فروشهایی راکه به این اساس وفق بند ۷ تبصره ۳ ماده اول قانون منع مداخله صورت می پذیرد ، می توان از شمول قانون اخیرالذکر خارج نمود .

۷- وفق تبصره چهار ماده اول قانون منع مداخله ، معاملات اجناس و کالاهی انحصاری دولت (از باب ضرورت) و امور مطبوعاتی دولت و شهرداریها از شمول قانون مستثنی گردیده است .

۸- عمل مرتکب در جرم موضوع لایحه قانونی موصوف عبارتند از :

الف - شرکت در معاملات موضوع تبصره ۳

ب - شرکت در داوری دعاوی مربوط به معاملات مذکور. بنابراین هریک از اشخاص موضوع این قانون در معاملات مذکور مشارکت نمایند ، اعم از اینکه عمل آنها در قالب فروشنده باشد یا خریدار ، یا در هر قالب دیگری باشد ، مشمول ماده مذکور می گردند.

همچنین در صورتیکه معاملات مذکور به داوری گذاشته شود ، مشارکت کامندان مورد اشاره در داوری دعاوی معاملات فوق ممنوع می باشد .

۹- عمل مرتکب می تواند مستقیم یا غیر مستقیم و با واسطه باشد . لذا در صورتیکه کارمندان مذکور از طریق و بواسطه دیگران در معاملات دولتی شرکت نمایند ، عمل آنان مجرمانه است .

۱۰- صرف شرکت در اینگونه معاملات و داوری اینگونه معاملات ، ممنوع بوده و ورود ضرر و زیان به عنوان نتیجه جرم در عمل مذکور ضرورتی ندارد .

بدیهی است در صورت ورود احتمالی ضرر و زیان ، مرتکب ملزم به پرداخت اینگونه خسارات می باشد .

۱۱- برای اینکه مرتکب مشمول مجازاتهای مقرر در قانون مذکور قرار گیرد ، لازم است که دارای سوء نیت بوده و از دولتی بودن اینگونه معاملات و یا از دولتی بودن یا وابستگی دستگاه طرف معامله به دولت آگاهی داشته باشد .

به عبارت دیگر مرتکب نباید جهل به موضوع داشته باشد .

ز – ضمانت اجراء :

ضمانت اجراء قانون فوق عبارت است از ۲ تا ٤ سال حبس تعزیری و ابطال معاملات و پرداخت کلیه خسارات وارده .

چرا مدیران فعالیت های اجرایی را بر مدیریت ترجیح می دهید؟

حسین امینی

اگر بخواهیم فعالیت یک مدیر را مورد بررسی قرار دهیم ، لازم است که قبل از هر چیز ماهیت کار او را بشناسیم . یک مدیر عموماً دارای دو نوع فعالیت عمده است :

۱- فعالیت نظارت و هماهنگی یا مدیریت

۲- فعالیت های اجرایی

نسبت بین این دو برای هر مدیر ، وابسته به عواملی چون خصوصیات فردی، سطح مدیریت ، نوع وظایف مدیر و بالاخره شرایط و موقعیت خاص هر محیط سازمانی است و به همین علت این نسبت برای مدیران مختلف متفاوت است.

از مدیریت تعاریف مختلفی بیان گردیده که نگارنده نیز با استفاده از نظریات بزرگان این علم مدیریت را استفاده موثر از منابع محدود به منظور رسیدن به هدف های مطلوب تعریف می کنم. این تعریف می تواند در مورد یک سازمان عریض و طویل و با تعداد نیروی زیاد و یا یک سازمان کوچک و حتی یک نفره صادق باشد.

آنچه مدیر انجام می دهد به عنوان وظایف مدیر از آن نام برده می شود که شامل اموری چون برنامه ریزی، سازماندهی ، استخدام ، هدایت ، کنترل و نظارت می باشد . این وظایف بصورت مستقیم در نتیجه کار سازمان تاثیرمی گذارد ، ولی قسمت عینی و محسوسی از بازده کار یک واحد نیست . در مقابل فعالیت های اجرایی مدیر عبارتند از: مشارکت مستقیم در تولید وبازده واحد و یا امور جنبی که مدیر به عنوان یکی از کارکنان انجام وظیفه می نماید.

هر دو نوع وظیفه مدیر جای خاصی برای خود دارد، به عنوان مثال زمانی که یک مدیر جلسه تعیین اولویت ها را با روسای قسمت ها، اداره می نماید، کار مدیریت انجام داده و در زمان ارائه نتایج این جلسه به کمیته وضع مقررات از طرف شخص مدیر به عنوان یک کار اجرایی بشمار می آید.

مدیران باید نسبت به این دو نوع وظیفه آگاهی کامل داشته باشند ، وظایف مدیریت و امور اجرائی را در شغل خود کاملا تشخیص داده و از هم تفکیک نمایند. در حقیقت منظور این است که توجه مدیران را به وظیفه اصلی آنان که همانا امور مدیریتی می باشد جلب نمائید و از طرف دیگر مدیران را به این امر واقف نموده که وقت و کوششی که توسط آنها صرف امور اجرایی می شود ، معمولا به وظیفه اصلی مدیر که همان اعمال مدیریت می باشد ضربه می زند ، لذا ضروری است هر مدیر قبل از آنکه دچار مشکلات ناشی ازاین امر بشود پیش وضع خود را در مقابل این دوگانگی ارزیابی نماید.

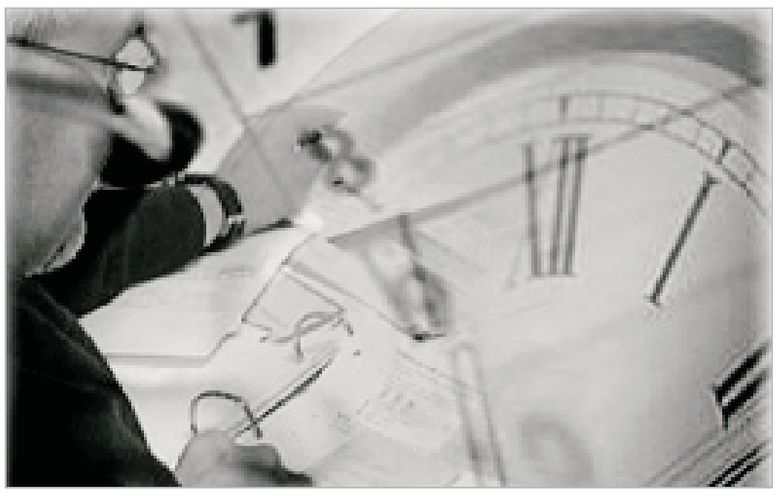

آنچه مدیر انجام می دهد به عنوان وظایف مدیر از آن نام برده می شود که شامل اموری چون برنامه ریزی، سازماندهی ، استخدام، هدایت ، کنترل و نظارت می باشد . این وظایف بصورت مستقیم در نتیجه کار سازمان تاثیر می گذارد ، ولی قسمت عینی و محسوسی از بازده کار یک واحد نیست

در اینجا به سه دلیل عمده که مدیران کارهای اجرایی را بر وظیفه اصلی خود که مدیریت است ترجیح می دهند می پردازیم .

۱- معمولا امور اجرایی شامل فنون و مهارتهایی می شود که مدیر با آنها آشنایی بیشتری دارد و گذشته از این اغلب یک مدیر وقت و کوشش بیشتری چه از نظر تحصیلی و چه از نظر تجربی در زمینه های فنی نسبت به زمینه مدیریت صرف نموده است ، زیرا یکی ازمهمترین عوامل انتخاب یک فرد به عنوان مدیر یک واحد صلاحیت و شایستگی فنی او می باشد.

۲- کارهای اجرایی معمولا در مقایسه با وظایف مدیریت ، رضایت خاطر سریع تر برای فرد ایجاد می کند ، زیرا نتایج آن سریع تر مشهود می گردد، همانطور که اوگرین عقیده دارد: برنامه ریزی به عنوان یک وظیفه مدیریت شامل سه فعالیت است که اغلب ما تمایلی به انجام انها نداریم: این فعالیت ها عبارتند از :

الف: تفکر و اندیشه

ب: مدون نمودن نتایج حاصل از تفکر ، **ج**: طی نمودن یک سلسله مراحل منظم و سیستماتیک

۳- توانایی برای حل مسائل اجرایی یا فنی از قدیم الایام در بسیاری از سازمانها مظهر قدرت یک مدیر موفق به شمار آمده است که در این مورد مدیران زیادی را می توان برشمرد که به خاطر مهارتشان در مواجه با مسائل مختلف اجرایی و موفقیت در این امور به درجات بالای مدیریت رسیده اند در حالیکه هیچگونه فعالیت خاصی در برنامه ریزی برای جلوگیری از وقوع آن مسائل نداشته اند.

در اینجا قصد تخطئه مدیرانی را که قدرت حل مشکلات و بحران های مقطعی را دارا می باشند نداشته ، زیرا کمتر سازمانی وجود دارد که بتواند بدون داشتن اینچنین مدیرانی به کار خود ادامه دهد، بنابراین نباید مزایای برنامه ریزی و جلوگیری از ایجاد مشکلات را از یاد برد و تنها کوشش خودر را مصروف مقابله با مسائل ایجاد شده پس از وقوع معطوف نمود.

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی

مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵

قسمت دوم

۱۰- تحقیقات و بازجویی ها نباید مبتنی بر اصول و شیوه های علمی قانونی و آموزش های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش های خلاف آن متوسل شده اند ، بر اساس قانون برخورداری بعدی صورت می گیرد.

۱۱ - پرسش ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سئوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرموثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲- پاسخ ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهار کننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد .

۱۳ - محاکم و دادسراها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می دهند و نحوه رفتار ماموران و متصدیان مربوط با متهمان ، نظارت جدی کند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان ، اجتناب نمود و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵ - رئیس قوه قضائیه موظف است هیاتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند . کلیه دستگاههایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیات همکاری لازم را معمول دارند.

آن هیات وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین ، علاوه بر مساعی دراصلاح روش ها و انطباق آنها با مقررات ، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نمود و در نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

مرتضی کناری زاده

آگهی تاسیس شرکت تضامنی فرجمندی و شرکاء

شرکت فوق در تاریخ ۸٦/٦/۱ تحت شماره ۸۷۳ این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکت نامه آن به شرح زیرجهت اطلاع عموم آگهی می شود:
۱- موضوع شرکت: خدمات ساختمانی اعم از امور پیمانکاری مربوط به ساخت ساختمانهای بتنی و فلزی و پیش ساخته و نظایر آن و عملیات راهسازی و جدول کشی ، زیرسازی معابر شهری، احداث شهرکها و منازل سازمانی ، نوسازی مدارس، کارهای تاسیساتی و مخابرات، الکترونیک و تجزیه و تحلیل سیستم ها، ارائه کلیه خدمات تولید و توزیع انواع مصالح ساختمانی اعم از ساخت قطعات بتنی پیش ساخته در اندازه های مختلف ، بسته بندی و توزیع گچ، سیمان و تولید انواع تیرچه های بتنی و فلزی و بلوک سیلیکونی و معمولی و تولید موزائیک و سنگ فرش، همچنین کلیه کارهای خدماتی از قبیل تنظیف ، ایجاد و نگهداری از فضای سبز، تامین نیروی انسانی ادارات دولتی و غیره، ماشین آلات برای ادارات و شرکتها ، انجام کلیه کارهای دولتی و غیردولتی اشخاص در شهرهای مختلف ، اخذ وام برای دیگران ، شرکت در مناقصات دولتی و غیردولتی ، دادن مزایده در ابعاد مختلف ، خدمات مالی اعتباری و سرمایه سپاری، بازرگانی و صادرات و واردات و حق العمل کاری ، بسته بندی مواد غذایی و غیرغذایی.
۲- مرکز اصلی شرکت: بندرلنگه خیابان آتش نشانی جنب تعمیرگاه شهرداری
۳- سرمایه شرکت مبلغ : یک میلیون ریال نقدی
٤- مدیران شرکت : آقای مهدی فرجمندی بسمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و خانم فرناز زندشاهوار بسمت نائب رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب گردیدند.
٥- دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته ، برات ، قراردادها ، عقود اسلامی با امضای منفرد مدیرعامل یا نائب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بندرلنگه - عزیز بهرامی

اطلاعیه

سازمان بازرگانی استان هرمزگان اعلام کرد: کالابرگ شماره ۹۰۴ شهری و ۸۴۸ روستایی مرحله دوازدهم جهت توزیع سهمیه قند و شکر به ازاء هر نفر ۱۲۰۰ گرم به قیمت مبلغ ۲۶۴۰ ریال در نظر گرفته شده است.

کالابرگ شهری برای مصرف کنندگان و عاملین فروش تا تاریخ ۸۶/۸/۳۰ (سی ام آبان هشتاد و شش) و کالابرگ روستائی برای مصرف کنندگان تا تاریخ ۸۶/۹/۲۸ و برای عاملین فروش تا تاریخ ۸۶/۹/۲۹ دارای اعتبار خواهند بود. عاملین فروش می توانند کالابرگ های دریافتی خود را به دفاتر پستی تحویل داده و رسید دریافت نمائید.

یادآوری می نماید رویت و تطبیق ته سوش با کالابرگ ارائه شده هنگام تحویل سهمیه توسط عاملین فروش الزامی است.

رئیس سازمان بازرگانی هرمزگان - محسن حیدری

میلاد خجسته یگانه منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) بر همگان مبارک باد

موسسه فرهنگی هنری پی په سرای هنر